



# رابطه گفتاری

کلمه‌ها، به‌ویژه در گفت‌وگوهای رسمی‌تر، اهمیت زیادی دارد.

برای روان صحبت‌کردن، پیش از هر چیز باید تلاش کنیم به همان زبان مورد نظر فکر کنیم تا فرایند ترجمه و برگردان از یک زبان به زبان دیگر، در صحبت‌کردن ما وقفه ایجاد نکند. برای درست صحبت‌کردن هم، تسلط بر دستور زبان و ساختار جمله‌ها ضرورت دارد. فقط دغدغهٔ بیش‌ازحد نسبت به دستور زبان، سرعت صحبت‌کردن ما را کاهش می‌دهد.

گرچه هنگام صحبت به زبانی خارجی، برقراری ارتباط یا به قول معروف، «رساندن مقصود مورد نظر» به مخاطب یا مخاطبان، در درجهٔ اول اهمیت قرار دارد، اما این نکته فقط برای آغاز یادگیری توجیه دارد و به‌تدریج توقع خودمان و سایرین از ما بیشتر خواهد شد. یادمان باشد که رابطهٔ گفتاری و البته به‌طور کلی رابطهٔ زبانی، دو سو دارد و این دوسویگی در رابطهٔ گفتاری محسوس‌تر و مهم‌تر است. بدین

صحت‌کردن یکی از سهل و ممتنع‌ترین کارهاست که یادگیری آن از کودکی و با «غان و غون» آغاز می‌شود و می‌تواند در بزرگسالی به تأثیرگذارترین سخنرانی‌های جهان بدل شود. در ضمن، بین مهارت‌های زبانی می‌تواند بیشترین اضطراب و تنش را در فرد ایجاد کند. تسلط بر این مهارت به قدری اهمیت دارد که برخی از مردم اساساً خوب و روان صحبت‌کردن را مساوی با بلدبودن زبان می‌دانند و به مهارت‌های زبانی دیگر کمتر توجه دارند.

مهارت‌های گفتاری و شنیداری رابطه‌ای تنگاتنگ با هم دارند، بنابراین بسیاری از مواردی که قبلاً دربارهٔ مهارت شنیداری گفتیم، می‌تواند دربارهٔ مهارت گفتاری هم صادق باشد. آنچه در رابطهٔ گفتاری بسیار اهمیت دارد، روان صحبت‌کردن، درست صحبت‌کردن و تلفظ صحیح واژگان است. تلفظ درست

**برای روان صحبت‌کردن، پیش از هر چیز باید تلاش کنیم به همان زبان مورد نظر فکر کنیم تا فرایند ترجمه و برگردان از یک زبان به زبان دیگر، در صحبت‌کردن ما وقفه ایجاد نکند**

حد زیادی این نقصان را جبران کنند. حضور مستمر در کلاس‌های زبان، صحبت به زبان خارجی در محیط کار یا منزل، و شرکت در اردوهای زبانی از روش‌هایی هستند که در بهبود مهارت گفتاری مؤثرند. شرکت در اردوهای زبانی و جلسه‌های آموزشی بیرون از کلاس و در محیطی واقعی، در تسلط بر مهارت گفتاری، تأثیری شگرف دارد. درحقیقت، قرار گرفتن در موقعیت‌های واقعی، یکی از بهترین شیوه‌ها برای یادگیری زبان است.

«قدرت بیان» یا «فن بیان» سطح عالی استفاده از مهارت گفتاری است که معمولاً سخنرانان، سیاستمداران و بازیگران نمایش از آن به‌خوبی بهره‌مندند. در واقع، همان‌طور که شاعر یا نویسنده تسلط بسیار زیادی بر مهارت‌های نوشتاری دارد، همین تسلط را سخنرانان، سیاستمداران و بازیگران بر مهارت گفتاری دارند. آنچه در یک سخنرانی خوب اهمیت دارد، علاوه بر مفید و جذاب بودن محتوا، مهارت سخنران در ارائه آن است. عوامل مؤثر در ارائه یک سخنرانی خوب عبارت‌اند از: حجم صدا، صدای جذاب و گیرا، سرعت مناسب برای بیان کلمه‌ها و جمله‌ها، کنترل تنفس، زبان بدن، ارتباط چشمی و البته فرهمندی (کاریزما).

حتی در رابطه‌های کلامی معمولی هم استفاده درست و مؤثر از زبان بدن اهمیت زیادی دارد. اما افراط و تفریط در استفاده از زبان بدن، می‌تواند تأثیر کلام ما را کاهش دهد. در حقیقت، زبان بدن و در کل، پیام‌های غیرکلامی ما، می‌توانند نقش علائم سجاوندی را در کلام ما ایفا کنند. هنگام ارتباط چشمی نیز باید دقت کنیم که چه موقع، چگونه و به کجا یا به چه کسی نگاه کنیم. برخی از مخاطبان نقش حمایتگر دارند و هنگام صحبت به ما لبخند می‌زنند، به دقت گوش می‌دهند و حتی از سخنان ما یادداشت برمی‌دارند. چنین افرادی هنگام صحبت به ما اعتمادبه‌نفس بیشتری می‌دهند. بنابراین ارتباط چشمی با این افراد به ما کمک می‌کند از اضطراب و فشار روانی خود بکاهیم. البته ارتباط چشمی با مخاطب، چه حمایتگر باشد و چه غیرحمایتگر، تأثیرگذاری کلام ما را افزایش خواهد داد.

**قرار گرفتن در محیطی که در آن  
به همان زبانی سخن می‌گویند که  
ما مشغول یادگیری آن هستیم،  
یکی از مؤثرترین راه‌ها برای  
تقویت مهارت گفتاری است**

معنا که اگر در هر نقطه از یک رابطه گفتاری، خلل یا گسستی ایجاد شود، ادامه این رابطه ممکن نخواهد بود و به‌نوعی این رابطه مختل خواهد شد؛ نکته‌ای که در رابطه نوشتاری / خوانداری غالباً قابل حل است. مثلاً وقتی متنی را می‌خوانیم، آن متن هر قدر هم دشوار و پیچیده باشد، می‌توانیم درنگ کنیم و با چند بار خواندن و حتی کمک گرفتن از فرهنگ‌های واژگان و سایرین، دشواری‌ها را کمتر کنیم و یا کاملاً از بین ببریم.

هنگام صحبت کردن، ایجاد رابطه عاطفی و صمیمی با مخاطب بسیار مهم است؛ حتی اگر در حد یک گفت‌وگوی کوتاه و مثلاً برای دادن نشانی به شخصی و یا راهنمایی او برای انجام کاری باشد که برای نخستین بار انجام می‌دهد. چون اگر غیر از این باشد، معمولاً می‌گویند: «عجب آدم خشکی است!» بنابراین واژه‌ها و عبارت‌ها را نباید به شکل مکانیکی به کار برد تا بتوان تأثیر مورد نظر را ایجاد کرد. این نکته هنگام صحبت کردن به یک زبان خارجی، اگر مد نظر قرار نگیرد، کلام را خشک و بی‌روح خواهد کرد. به همین علت، دانستن معنای دقیق عبارت‌ها، واژه‌ها و اصطلاح‌های خارجی و کاربرد صحیح و مناسب آن‌ها، برای ایجاد این رابطه مهم است. هر چند که نوع موقعیت، جنسیت، سن و موقعیت اجتماعی مخاطب و عوامل دیگری در انتخاب لحن، کلمه‌ها و جمله‌های مورد استفاده نقش دارند.

در رابطه گفتاری، اعتمادبه‌نفس و اضطراب نسبت عکس دارند. در بیشتر اوقات، اضطراب و فشار روانی از عوامل اصلی ضعف در گفت‌وگو هستند. اضطراب می‌تواند توانایی گفتاری یک گویشور را به حداقل و حتی به صفر برساند و این نکته حتی هنگام سخن گفتن به زبان مادری نیز مشهود است. یکی از عواملی که می‌تواند هنگام سخن گفتن اعتمادبه‌نفس بسازد، «تمرین» است، چون هر چه تمرین بیشتر باشد، تسلط بیشتر خواهد شد و تسلط بر هر کاری باعث ایجاد اعتمادبه‌نفس می‌شود. حفظ کردن برخی عبارت‌ها، جمله‌ها، کلمه‌ها و اصطلاح‌های مهم به ما کمک می‌کند راحت‌تر و روان‌تر صحبت کنیم و این نکته نه فقط هنگام صحبت کردن به زبان خارجی، بلکه موقع تکلم به زبان مادری نیز مؤثر است. در ضمن، مرور ذهنی موقعیتی که قرار است در آن قرار بگیریم و حدس زدن جمله‌هایی که احتمالاً ردوبدل خواهند شد، گفت‌وگوی ما را آسان‌تر و روان‌تر خواهد کرد.

البته همه تقریباً می‌دانند، قرار گرفتن در محیطی که در آن به همان زبانی سخن می‌گویند که ما مشغول یادگیری آن هستیم، یکی از مؤثرترین راه‌ها برای تقویت مهارت گفتاری است. اما چون همیشه و برای هر کسی چنین فرصتی مهیا نیست، روش‌های جایگزین می‌توانند تا